

مقایسه قانون اساسی افغانستان با قانون اساسی ایران

عبدالقیوم آیتی*

چکیده

این مقاله تحت عنوان «مقایسه قانون اساسی افغانستان با قانون اساسی ایران» تدوین شده است. قانون اساسی در هر کشور سند گویایی از روابط میان فرمانروایان و فرمانبران است که در واقع روابط و مناسبات حاکمان و شهروندان را تسهیل و تنظیم می‌کند. آنچه در این تحقیق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، مقایسه امتیازات، تفاوت‌ها و تشابهات در قوانین اساسی دو کشور اسلامی است.

روش تحقیق در این نوشته کتابخانه‌ای و از نوع تحلیلی و توصیفی است. روش گردآوری اطلاعات مراجعه به متون قانون اساسی دو کشور را دربرمی‌گیرد. آنچه از مقایسه قوانین دو کشور به دست آمده، عبارت‌اند از: در برخی موارد قانون اساسی افغانستان دارای امتیازات فراوانی نسبت به قانون اساسی ایران است و در برخی موارد دیگر قانون اساسی ایران دارای تمایزات و برجستگی‌هایی نسبت به قانون اساسی افغانستان دارد. در مجموع، هر دو قانون دارای تمایزات، تفاوت‌ها و تشابهات زیادی است که در این مختصر مورد ارزیابی قرار گرفته است.

* نویسنده و پژوهشگر.

واژگان کلیدی: مقایسه، قانون، قانون اساسی، قوه قضائیه، ستره محکمه،

شورای ملی.

مقدمه

«قانون اساسی» در هر کشور برخاسته از باورها، اعتقادات و فرهنگ عمومی و سیاسی یک کشور است. قانون اساسی، قانونی است که اصول و مقررات نظام حکومتی، چگونگی حکومت و حدود و اختیارات آن، اساس قوای اداره کننده کشور و حقوق و وظایف افراد را معین می‌سازد. قانون اساسی در حقیقت تعیین کننده نظام حاکم است؛ قانونی که مشخص می‌کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی‌ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه - اعم از قوه مجریه، مقننه و قوه قضائیه - چه اقتدارات و مسئولیت‌هایی در برابر ملت دارند. علاوه بر این، قانون اساسی مضامینی مانند پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی، پایتخت کشور و اصول حاکم بر سیاست‌های قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. هیچ قانون و مقررات نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

قانون اساسی در هر کشور به دست حاکم یا حاکمانش تدوین و تصویب می‌گردد و مسیر و خط‌مشی دولت‌مردان را تنظیم می‌کند. در قانون اساسی است که شکل حکومت و اداره عمومی تعیین می‌شود؛ بنابراین، هر مجموعه‌ای از انسان‌ها شیوه خاص برای اداره عمومی خود دارند که می‌تواند مشابه یا متفاوت از جوامع دیگر باشد.

در این تحقیق، مقایسه قانون اساسی دو کشور افغانستان و ایران با سه رویکرد صورت می‌پذیرد: (۱) مقایسه با رویکرد توصیفی و بیان تفاوت‌ها و شباهت‌ها انجام می‌گیرد؛ برتری‌دادن یکی بر دیگری؛ (۲) مقایسه با رویکرد هنجاری و ارزشی است؛ تمایزها و شباهت‌ها به منظور برتری‌دادن مطلق یکی بر دیگری؛ (۳) مقایسه با رویکرد کارکردی است؛ نظام‌های سیاسی را از نظر تفاوت‌ها و تمایزات مقایسه می‌کنیم.

این مقاله در پنج محور اساسی سامان‌دهی شده است که در آغاز به بررسی ساختاری تفاوت‌ها در قانون اساسی دو کشور پرداخته است و پس از آن به مقایسه مجلس قانون‌گذار پرداخته شده است؛ سپس به مقایسه قوه مجریه و وظایف و اختیارات آن اشاره است و در پایان به مقایسه قوه قضائیه در قانون اساسی دو کشور اشاره شده است.

۱. مفاهیم و کلیات

۱-۱. مفهوم قانون اساسی

اصطلاح قانون اساسی معادل واژه *constiutonal-law* است که یک ترکیب وصفی از قانون و اساسی است (گلن، ۱۳۷۷). قانون اساسی در مفهوم عام به کلیه قواعد و مقررات عرفی و مدون یا پراکنده‌ای گفته می‌شود که مربوط به قدرت و اجرای آن است؛ بنابراین، اصول و موازین حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و شیوه تنظیم آن‌ها هم‌چنین کیفیت توزیع قدرت میان فرمانروایان و فرمان‌بران از زمره قواعد قانون اساسی است. با این برداشت، هیچ جامعه کشوری یا دولت- کشوری نمی‌توان یافت که فاقد قانون اساسی باشد (فصلنامه سراج، ۱۳۷۷: ۱۵)

در گذشته‌ها این مفهوم یا به صورت مقررات موضوعه پراکنده، یا مدون، یا عرفی و یا مخلوطی از انواع آن در جوامع بزرگی مانند مصر قدیم، ایران باستان، یونان باستان و رم و چین وجود داشته است؛ لکن از قرن ۱۸ شکل جدیدی یافته و به صورت سندی درآمده است که اساسی‌ترین قواعد و مقررات و اصول حاکم را در خود گرد آورده است (دانشنامه رشد، تعریف قانون اساسی).

۱-۲. سیر تاریخی قانون اساسی در افغانستان و ایران

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

۱-۲-۱. قانون اساسی در افغانستان

نزدیک به یک قرن است که از تدوین نخستین قانون اساسی در افغانستان می‌گذرد. از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۸۲ که آخرین قانون اساسی نوشته شد، هشت قانون اساسی در دوره‌های مختلف حکومت‌ها تدوین شده و به تصویب رسیده است. این امر در مقایسه با دیگر کشورهای جهان بی‌سابقه بوده است. در افغانستان به‌طور میانگین در هر ده سال یک قانون اساسی به نگارش درآمده است. در صورتی که ثبات و استمرار از ویژگی‌های هر قانون اساسی است، چرا در افغانستان، قانون اساسی با پایان یافتن هر حکومت، پایان یافته و با آغاز هر حکومت جدید، قانون اساسی جدیدی را به دنبال داشته است؟

عوامل متعددی در این امر دخالت داشته است؛ ولی آنچه مهم به نظر می‌رسد، سه عامل نقش تعیین‌کننده دارند: عدم جامعیت قانون اساسی، فقدان ثبات سیاسی و نادیده گرفتن حق مشارکت

سیاسی مردم. در این سرزمین، همواره سه عامل فوق برجسته جود داشته است.

قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۲ از امتیازات و ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این قانون اساسی از جامعیت، ثبات و مشارکت مردم افغانستان برخوردار است؛ از این رو، در این نوشته تلاش خواهد شد که قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۲ را با قانون اساسی ایران مقایسه کرده تا امتیازات، تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها را شناسایی نماییم.

۲-۱-۲. قانون اساسی در ایران

نخستین قانون اساسی ایران در ۸ دی ۱۲۸۵ به امضای مظفرالدین شاه رسید. قانون اساسی ایران در واقع نتیجه خواست مردمی بود که از فشار استبداد به تنگ آمده و به همین دلیل خواستار مشخص شدن حوزه عملکرد قدرت بودند. با تأسیس چنین قانونی در کشور، که مبنای آن قانون اساسی فرانسه بود، تفکیک قوا به تصریح مورد لحاظ قرار گرفته بود که مدتی بعد متنی با عنوان متمم قانون اساسی تهیه شد و در ۱۴ مهر ۱۲۸۶ رسمیت پیدا کرد. البته پس از آن نیز در چند نوبت با تشکیل مجلس مؤسسان، برخی از مواد این قانون تغییر کرد. نظام‌نامه و متمم آن به انضمام تغییراتی که بعدها در آن صورت گرفت، همان قانونی بود که تا سال ۱۳۵۷ که حکومت مشروطه در ایران از میان رفت، نافذ بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ توسط مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۷۵ اصل تصویب شده و همان سال به همه‌پرسی گذاشته شد و نتیجه آن با رأی مثبت اعلام شد. در سال ۱۳۶۸ اصلاحاتی در این قانون صورت پذیرفت و سمت نخست‌وزیری در سمت ریاست‌جمهور ادغام شد و سمت جدید پدیدآمده را ریاست‌جمهور نامیدند (<https://fa.wikipedia.org/wiki>).

۲. بررسی ساختاری و تفاوت‌ها در قانون اساسی افغانستان و ایران

۲-۱. تفاوت‌ها

۲-۱-۱. نوع حکومت

الف. حکومت در قانون اساسی افغانستان: جمهوری اسلامی بر پایه نظام ریاستی است؛

به طوری که در قانون اساسی این کشور تصریح شده است: «رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته و صلاحیت های خود را در عرصه های اجراییه، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می کند.» (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲: ماده ۶۰)؛ بنابراین، جمهوری اسلامی افغانستان نظام ریاستی است که وظایف و اختیارات رئیس جمهور در آن بالاتر از وظایف و اختیارات رئیس جمهور در ایران است و در حقیقت وظائف و اختیارات رهبری در ایران نیز بر عهده رئیس جمهور در افغانستان است که در ماده ۶۴ به این وظایف تصریح شده است.

ب. حکومت در قانون اساسی ایران: جمهوری اسلامی ایران بر پایه نظام ولایت فقیه استوار است که در قانون اساسی این کشور چنین آمده است: «پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است...» (قانون اساسی ایران، ۱۳۸۱: اصل ۱۱۳) و در اصل دیگر، شرایط و صفات رهبر را چنین بیان می کند: صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلامی، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری (ق. ا. ایران: اصل ۱۰۹)؛ بنابراین، طبق بند اول اصل یکصد و نهم قانون اساسی ایران، در رأس امور در جمهوری اسلامی ایران یک مجتهد جامع الشرائط قرار دارد که از آن به ولی فقیه یاد می شود. پس نظام جمهوری اسلامی در ایران بر پایه اصل ولایت فقیه استوار است و رئیس جمهور مقام دوم پس از مقام رهبری را دارا است.

تأسیس ۱۳۹۴

۲-۱-۲. دین و مذهب

الف. جایگاه دین و مذهب در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان: «دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.» (ق. ا. افغانستان: ماده ۲).

تنها به ذکر دین مردم افغانستان (اسلام) اکتفا شده است و از مذهب خاص نام برده نشده است و غیر قابل تغییر بودن این ماده نیز نیامده است؛ اما آزادی های مذهبی هم از مواد قانون اساسی در افغانستان استفاده می شود.

ب. جایگاه دین و مذهب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب

دیگر اسلامی - اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی - دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هریک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.» (ق. ا. ایران: اصل ۱۲). در قانون اساسی ایران علاوه بر دین اسلام، از مذاهب هم نام برده شده است و این اصل غیر قابل تغییر خوانده شده است.

۳-۱-۲. پرچم رسمی

الف. پرچم افغانستان: بیرق افغانستان مرکب است از سه قطعه با رنگ‌های سیاه، سرخ و سبز که به صورت عمودی به اندازه‌های مساوی، از چپ به راست، در کنار هم واقع شده، عرض هر رنگ برابر نصف طول آن است و در وسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد. نشان ملی افغانستان عبارت از محراب و منبر به رنگ سفید است که در دو گوشه آن دو بیرق و در وسط آن که در قسمت فوقانی، کلمه مبارک لا اله الا الله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعه خورشید در حال طلوع و در قسمت تحتانی آن تاریخ ۱۲۹۸ هجری شمسی و کلمه افغانستان جا داشته و از دو طرف با خوشه‌های گندم احاطه شده است. طرز استفاده از بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می‌گردد (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۹).

ب. پرچم ایران: پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است (ق. ا. ایران: اصل ۱۸).

۴-۱-۲. حاکمیت ملی

الف. حاکمیت ملی در قانون اساسی افغانستان: «حاکمیت ملی در افغانستان به ملت واگذار شده است که به طور مستقیم و یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می‌کند. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشد.» (ق. ا. افغانستان: ماده ۴).

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک، ترکمن، بلوچ، پیشه‌ای، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام است. بر هر فرد از افراد

ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می‌شود. هیچ فرد از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی‌گردد. امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می‌گردد (ق. ا. افغانستان: ماده ۴)

ب. حاکمیت ملی در قانون اساسی ایران: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا دانسته شده که او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.» (ق. ا. ایران: اصل ۵۶).

۵-۱-۲. پذیرش اسلام و معاهدات بین‌المللی

الف. قانون اساسی افغانستان: در دو ماده متفاوت، اسلام و معاهدات بین‌المللی هردو مورد پذیرش قرار گرفته است: هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد (ق. ا. افغانستان: ماده ۳) و همچنین در ماده دیگر آمده است: «دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان بر آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند.» (ق. ا. افغانستان: ماده ۷)؛ بنابراین، در ابتدا به نظر می‌رسد در مواردی که قوانین بین‌المللی با اسلام یکسان نباشد، یک نوع تعارض به وجود می‌آید؛ مگر این که بگوییم ماده ۳ حاکم بر سایر مواد در قانون اساسی افغانستان است؛ یعنی معاهدات بین‌المللی که مخالف اسلام و معتقدات مردم افغانستان است، مورد پذیرش نیست که در این صورت هردو قانون یکسان خواهند بود.

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

ب. قانون اساسی ایران: در قانون اساسی ایران نیز اسلام به عنوان یک اصل در معاهدات بین‌المللی لحاظ شده است چنانکه در اصل قانون اساسی ایران چنین آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه قوانین و مقررات دیگر است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.» (ق. ا. ایران: اصل ۴) و طبق اصل هفتاد و دوم: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد.» (ق. ا. ایران: اصل ۷۲) از طرف دیگر، در این اصل: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.» (ق. ا. ایران: اصل ۷۷) که در این صورت، زیر نظر شورای نگهبان باید عدم

مخالفت آن با اسلام احراز شود.

۶-۱-۲. مجری انتخابات و نظارت بر آن

الف. قانون اساسی افغانستان: در قانون اساسی افغانستان برای برگزاری انتخابات کمیسیون خاصی در نظر گرفته شده است؛ «کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم در کشور، مطابق به احکام قانون اساسی تشکیل می‌گردد.» (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۵۶)

ب. قانون اساسی ایران: در قانون اساسی ایران شورای نگهبان نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد؛ «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.» (ق. ا. ایران: اصل ۹۹)

۲-۲. مقایسه ساختاری قانون اساسی دو کشور

الف. تعداد فصول: قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، دارای یک مقدمه و ۱۲ فصل است؛ در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای ۱۴ فصل است.

ب. ماده و اصل: در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان عنوان «ماده» آمده است؛ ولی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عنوان «اصل».

ج. تعداد مواد و اصول: قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان دارای ۱۶۲ ماده است؛ ولی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای ۱۷۷ اصل.

۳-۲. فصول مشترک و متمایز در دو قانون

۱-۳-۲. فصول مشترک

الف. کلیات قانون اساسی: فصل اول قانون اساسی افغانستان تحت عنوان «دولت» مطرح شده است؛ فصل اول قانون اساسی ایران تحت عنوان «اصول کلی» مطرح شده است. در هر دو فصل به کلیات (نوع حکومت، زبان و خط رسمی، پرچم، ملت و...) اشاره شده است.

ب. حقوق و وظایف ملت: فصل دوم قانون اساسی افغانستان تحت عنوان «حقوق اساسی

و وجایب (وظایف)» اتباع ذکر شده است؛ فصل سوم قانون اساسی ایران تحت عنوان «حقوق ملت» مطرح شده است.

ج. وظایف و اختیارات قوه مجریه: فصل سوم قانون اساسی افغانستان تحت عنوان «رئیس جمهور» مطرح؛ فصل نهم قانون اساسی ایران تحت عنوان «قوه مجریه» مطرح است.

د. وظایف و اختیارات قوه مقننه: فصل پنجم قانون اساسی افغانستان تحت عنوان «شورای ملی» مطرح؛ فصل ششم قانون اساسی ایران تحت عنوان «قوه مقننه» مطرح است.

هـ. وظایف و اختیارات قوه قضائیه: فصل هفتم قانون اساسی افغانستان تحت عنوان «قضا» مطرح است؛ فصل یازدهم قانون اساسی ایران تحت عنوان «قوه قضائیه» مطرح است.

و. تعدیل و بازنگری در قانون اساسی: فصل دهم قانون اساسی افغانستان تحت عنوان «تعدیل» مطرح است؛ فصل چهاردهم قانون اساسی ایران تحت عنوان «بازنگری در قانون اساسی» مطرح است.

ز. انتخابات شوراها و شهرداری‌ها: فصل هشتم قانون اساسی افغانستان تحت عنوان «اداره» مطرح است؛ فصل هفتم قانون اساسی ایران تحت عنوان «شوراها» مطرح است.

بنیاد اندیشه

۲-۳-۲. فصول متمایز

الف. فصول متمایز در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان: می‌توان موارد ذیل را به عنوان موارد متمایز قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان برشمرد؛ فصل چهارم: حکومت؛ فصل ششم: لویه جرگه یا مجلس بزرگان (تشکیل مجلس بزرگان برای همه‌پرسی و رفراندوم است)؛ فصل نهم: حالت اضطرار (حکومت نظامی)؛ فصل یازدهم: احکام متفرقه؛ فصل دوازدهم: احکام انتقالی (حکومت انتقالی). قابل ذکر است به جز فصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، محتوای فصول دیگر آن در لابلای قانون اساسی ایران نیز موجود است.

ب. فصول متمایز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: فصول متمایز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی؛ فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن؛ فصل هشتم: رهبر یا شورای رهبری؛ فصل دهم: سیاست خارجی؛ فصل دوازدهم: صدا و سیما؛ فصل سیزدهم: شورای عالی امنیت ملی.

قابل ذکر است به جز فصل هشتم و سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، محتوای فصول دیگر آن در لایحی قانون اساسی افغانستان آمده است.

۳-۳-۲. بررسی تطبیقی وظائف و اختیارات رئیس جمهور در قانون اساسی ایران و افغانستان

۱-۳-۳-۲. مواد و اصول مشابه

الف. تعیین وزرا، لوی سارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تأیید و لسی جرگه و عزل و قبول استعفاى آن‌ها (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۴، بند ۱۱ و ق. ا. ایران: اصول ۱۳۲، ۱۳۵ و ۱۳۶)؛

ب. امضا و توشیح قوانین عادی (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۴، بند ۱۶ و ق. ا. ایران: اصل ۱۲۳)؛

ج. اعطای مدال‌ها، نشان‌ها و القاب افتخاری کشوری و لشکری (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۶، بند ۱۹ و ق. ا. ایران: اصل ۱۲۹)؛

د. اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین‌الدول مطابق به احکام قانون (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۴، بند ۱۷ و امضای قراردادهای بین‌المللی (ق. ا. ایران: اصل ۱۲)؛

هـ. مراقبت از اجرای قانون اساسی (ق. ا. افغانستان: بند ۱ ماده ۶۴ و ق. ا. ایران: اصل ۱۲۱)؛

و. نصب و عزل و قبول استعفاى رئیس بانک مرکزی (ق. ا. افغانستان: بند ۱۱ ماده ۶۴؛ اما در قانون اساسی ایران ذکر نشده است)؛

ز. اعزام و قبول استوارنامه سفر (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۴، بند ۱۴ و ۱۵ و ق. ا. ایران: اصل ۱۲۸)؛

ح. فرمان توقف انتخابات در شرایط خاص (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۴۷ و ق. ا. ایران: اصل ۶۸).

۲-۳-۳-۲. مواد و اصول متفاوت

سایر اختیارات ریاست جمهوری (در افغانستان) به مقام رهبری در ایران تفویض شده است.

الف. تعیین سیاست کل کشور (ق. ا. افغانستان: بند ۲ ماده ۶۴ و ق. ا. ایران: اصل ۱۱۰).

ب. اختیارات در امور نیروهای مسلح:

۱. فرمان‌دهی کل قوای مسلح؛

۲. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروهای مسلح در صورت لزوم؛

ج. اعزام نیروهای مسلح به خارج از کشور با موافقت شورای ملی صورت (این بند در قانون اساسی ایران وجود ندارد)؛

د. عزل و نصب و قبول استعفای مقامات عالی نظامی (ق. ا. افغانستان: بندهای ۳، ۴، ۶، ۱۱ و ۱۳ ماده ۶۴ و ق. ا. ایران: اصل ۱۱۰).

۳-۳-۲. اختیارات در امور تقنینی (قانون‌گذاری)

الف. انتخاب یک‌سوم اعضای مشرانو جرگه (مجلس سنا) (ق. ا. افغانستان: بند ۳ ماده ۸۴، در ایران مجلس سنا وجود ندارد)؛

ب. فرمان تشکیل همه‌پرسی (ق. ا. افغانستان: بند ۶ و ۷ ماده ۶۴ و ق. ا. ایران: بند ۳ اصل ۱۱۰)؛

ج. پیشنهاد بازنگری قانون اساسی (ق. ا. افغانستان: مواد ۱۴۹ و ۱۵ و ق. ا. ایران: اصل ۱۷۷)؛

د. تعیین اعضای کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۵۷)؛ تعیین فقهای شورای نگهبان از وظایف رهبری است (ق. ا. ایران: اصل ۹۱).

۴-۳-۲. اختیارات در امور قضایی بنیاد اندیشه

الف. تعیین اعضای ستره‌محکمه (قوه قضائیه) جهت گرفتن رأی اعتماد از ولسی جرگه (پارلمان) (ق. ا. افغانستان: بند ۱۲ ماده ۶۴ و ماده ۱۱۷) و یکی از اعضا را به‌عنوان رئیس آن تعیین می‌کند؛ اما در ایران، تعیین و انتصاب رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است (بند ب ق. ا. ایران: اصل ۱۱۰).

ب. نصب، عزل و قبول استعفای قضات: پس از پیشنهاد رئیس ستره‌محکمه (رئیس قوه قضائیه) نصب و عزل و قبول استعفای قضات بر عهده رئیس جمهور افغانستان است (ق. ا. افغانستان: بند ۱۲ ماده ۶۴ و مواد ۱۳۲). به‌نظر می‌رسد این وظیفه در ایران از اختیارات غیرمستقیم مقام رهبری (توسط رئیس قوه قضائیه) باشد.

ج. نصب و عزل و قبول استعفای دادستان کل (ق. ا. افغانستان: بند ۱۱ ماده ۶۴). به‌نظر

می‌رسد این وظیفه نیز در ایران از اختیارات غیرمستقیم رهبری (توسط رئیس قوه قضائیه) باشد (ق. ا. ایران: اصل ۱۶۲).

د. عفو به تخفیف مجازات محکومین (ق. ا. افغانستان: بند ۱۸ ماده ۶۴ و ق. ا. ایران: بند ۱۱ اصل ۱۱۰).

۳. مقایسه مجلس قانون‌گذاری در افغانستان و ایران

در نظام حقوقی افغانستان مرجع قانون‌گذاری دو مجلس سنا (مشرانو جرگه) و پارلمان (ولسی جرگه) است - که از آن به‌عنوان شورای ملی یاد می‌شود - که پس از تصویب دو مرجع فوق و امضای رئیس جمهور، مصوبه تبدیل به قانون می‌شود. البته مجلس بزرگان (لوی جرگه) نیز در افغانستان پیش‌بینی شده است که طبق قانون اساسی در موارد اضطراری و به دستور رئیس جمهور تشکیل می‌شود که تصمیمات آن فوق قانون و در حقیقت نوعی رفراندوم است.

۳-۱. شورای ملی

در قانون اساسی افغانستان عالی‌ترین رکن قانون‌گذاری شورای ملی است چنانکه در ماده ۸۱ قانون اساسی افغانستان آمده است: «شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به‌هیئت عالی‌ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند. هر عضو شورا در موقع اظهار رأی، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می‌دهد.» (ق. ا. افغانستان: ماده ۸۱). در ماده بعدی آمده است: شورای ملی متشکل از دو مجلس - ولسی جرگه (پارلمان) و مشرانو جرگه (مجلس سنا) - است. شورای ملی افغانستان از دو مجلس تشکیل شده است که عبارت‌اند از:

۳-۱-۱. پارلمان (ولسی جرگه)

الف. چگونگی انتخاب اعضای پارلمان: اعضای ولسی جرگه به‌وسیله مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردند.

ب. مدت دوره پارلمان: دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات، به پایان می‌رسد و شورای جدید به‌کار آغاز می‌نماید. انتخابات اعضای

ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دوره ولسی جرگه برگزار می‌گردد.

ج. تعداد نمایندگان پارلمان: تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حداکثر دوصد و پنجاه نفر است. به تناسب نفوس از هر ولایت به طور متوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت می‌یابد (ق. ا. افغانستان: ماده ۸۳).

۲-۱-۳. مجلس سنا (مشرانو جرگه)

اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می‌شوند:

الف. از جمله اعضای شورای هر ولایت یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهار سال.

ب. از جمله اعضای شوراهای ولسوالی‌های هر ولایت یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال.

ج. یک ثلث باقی مانده از جمله شخصیت‌های خبیر و باتجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و معیوبین و دو نفر از نمایندگان کوچی‌ها به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال.

د. رئیس جمهور تعداد پنجاه فیصد از این اشخاص را از بین زنان تعیین می‌نماید.

هـ. شخصی که به‌حیث عضو مشرانو جرگه انتخاب می‌شود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده، به عوض او شخص دیگری مطابق به احکام قانون تعیین می‌گردد (ق. ا. افغانستان: ماده ۸۴).

۲-۳. مجلس شورای اسلامی

در نظام حقوقی ایران، مجلس شورای اسلامی می‌تواند قانون وضع کند. در قانون اساسی ایران آمده است: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود...» (ق. ا. ایران: اصل ۵۸).

الف. چگونگی انتخاب اعضای پارلمان: مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد (ق. ا. ایران: اصل ۶۲).

ب. مدت دوره پارلمان: دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود؛ به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد (ق. ا. ایران: اصل ۶۳).

ج. تعداد نمایندگان پارلمان: عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است و از تاریخ همه پرسی سال ۱۳۶۸ پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها، حداکثر بیست نفر نماینده می تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده، مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند (ق. ا. ایران: اصل ۶۴).

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دوسوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد و تصویب طرح ها و لوایح طبق آیین نامه مصوب داخلی انجام می گیرد؛ مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین نامه داخلی، موافقت دوسوم حاضران لازم است (ق. ا. ایران: اصل ۶۵).

۴. مقایسه قوه اجرائیه در قانون اساسی افغانستان و ایران

۴-۱. جایگاه و مقام رئیس جمهور

الف. جایگاه و مقام رئیس جمهور در افغانستان: رئیس جمهور در رأس دولت قرار داشته، صلاحیت های خود را در عرصه های اجرائیه، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می کند (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۰).

ب. جایگاه و مقام رئیس جمهور در ایران: پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است (ق. ا. ایران: اصل ۱۱۳).

۴-۲. جایگاه معاون یا معاونان رئیس جمهور

الف. رئیس جمهور در افغانستان دارای دو معاون (اول و دوم) است و کاندید ریاست جمهوری نام هردو معاون را همزمان با کاندید شدن خود به ملت اعلام می دارد؛ بنابراین، رئیس جمهور در افغانستان دارای دو معاون است (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۰).

ب. رئیس جمهور در ایران دارای معاونین متعدد و دارای یک معاون اول است. «رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظائف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی، اداره هیئت‌وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را بر عهده خواهد داشت (ق. ا. ایران: اصل ۱۲۴).

۳-۴. مدت دوره ریاست جمهوری و انتخاب مجدد آن

الف. مدت ریاست جمهوری در افغانستان: وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای (خرداد) سال پنجم، بعد از انتخابات، پایان می‌یابد (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۱). در ماده دیگری آمده است: هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از دو دوره به‌هیئت رئیس جمهور انتخاب گردد (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۲، بند ۳)؛ بنابراین، مدت ریاست جمهوری در افغانستان پنج سال و در ایران چهار سال است. در هردو کشور، انتخاب یک فرد برای بیش از دو دوره متوالی امکان ندارد.

ب - مدت ریاست جمهوری در ایران: رئیس جمهور برای مدت چهار سال بارأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد او به‌صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است (ق. ا. ایران: اصل ۱۱۴).

۴-۴. وفات رئیس جمهور و معاونین

الف. در قانون اساسی افغانستان: در صورت استعفا، عزل و یا وفات رئیس جمهور و یا مریضی صعب‌العلاج که مانع اجرای وظیفه شود، معاون اول رئیس جمهور صلاحیت‌ها و وظایف رئیس جمهور را بر عهده می‌گیرد. (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۷). در ماده بعدی نیز می‌گوید: هرگاه یکی از معاونین رئیس جمهور استعفا و یا وفات نماید، عوض وی (به‌جای) شخص دیگری توسط رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه (پارلمان) تعیین می‌گردد. در صورت وفات همزمان رئیس جمهور و معاون اول وی، بالترتیب معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه (مجلس سنا)، رئیس ولسی جرگه (پارلمان) و وزیر خارجه یکی بعد دیگری، مطابق به حکم مندرج، وظایف رئیس جمهور را به عهده می‌گیرند (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۸).

ب. در قانون اساسی ایران: در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر

اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورای متشکل از رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و معاون رئیس جمهور مؤلف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز، رئیس جمهور جدید انتخاب شود و در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد، مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند (ق. ا. ایران: اصل: ۱۳۱).

۵-۴. استعفای رئیس جمهور

الف. در قانون اساسی افغانستان آمده است: رئیس جمهور استعفای خود را شخصاً به شورای ملی اعلام می‌کند (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۷)

ب. در قانون اساسی ایران آمده است: رئیس جمهور استعفای خود را به مقام رهبری تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است، به وظائف خود ادامه می‌دهد (ق. ا. ایران: اصل ۱۳۰).

۶-۴. محاکمه و عزل رئیس جمهور و وزرا

الف. در قانون اساسی افغانستان آمده است: «اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرائم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه (پارلمان) می‌تواند تقاضا شود. در صورتی که این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه (پارلمان) تأیید گردد، ولسی جرگه (پارلمان) در خلال مدت یک ماه لویه جرگه (مجلس بزرگان) را دایر می‌نماید. هرگاه لویه جرگه (مجلس بزرگان)، اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث (دوسوم) آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. محکمه خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه (مجلس سنا)، سه نفر از اعضای ولسی جرگه (پارلمان) و سه نفر از ستره محکمه (قوه قضائیه). به تعیین لویه جرگه (مجلس بزرگان)، اقامه دعوی توسط شخصی که از طرف لویه جرگه (مجلس بزرگان) تعیین می‌گردد، صورت می‌گیرد (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۹).

ب. در قانون اساسی ایران: رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان و وزیران در مورد

جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود (ق. ا. ایران: اصل ۱۴۰).

هم‌چنین طبق بند دوم اصل ۸۹ قانون اساسی ایران، در صورتی که حداقل یک‌سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور را مورد استیضاح قرار دهند، مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل ۱۱۰ به اطلاع مقام رهبری می‌رسد. بند ۱۰ اصل ۱۱۰، پس از حکم دیوان عالی کشور، به تخلف رئیس‌جمهور با رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی، رهبری او را از مقامش عزل می‌کند.

ج. وظایف رئیس‌جمهور به معاون اول سپرده می‌شود (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۷). نیز کشف جرائم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه از طرف سارنوالی (دادستان) مطابق احکام قانون صورت می‌گیرد (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۳۴). هم‌چنین در ماده دیگر آمده است: «هرگاه وزیر به ارتکاب جرائم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرائم متهم گردد، قضیه با رعایت ماده یک‌صد و سی و چهارم این قانون اساسی، به محکمه خاص محول می‌گردد (ق. ا. افغانستان: ماده ۷۸).

۴-۷- مقایسه وظایف رئیس‌جمهور در قانون اساسی دو کشور

۴-۷-۱. وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی افغانستان

قانون اساسی افغانستان اختیارات بسیار گسترده و وسیعی به رئیس‌جمهور داده؛ زیرا نظام این کشور ریاستی است و رئیس‌جمهور در قانون اساسی به‌عنوان عالی‌ترین مقام ذکر شده است؛ به همین دلیل، وظایف و اختیارات ویژه‌ای را در امور تقنینی و قضایی دارد. تعیین یک‌سوم اعضای مجلس سنا توسط رئیس‌جمهور و پیشنهاد رئیس‌جمهور قوه قضائیه به پارلمان به‌وسیله رئیس‌جمهور صورت می‌پذیرد.

۱. مراقبت از اجرای قانون اساسی؛
۲. تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی؛
۳. قیادت اعلا‌ی قوای مسلح افغانستان؛
۴. اعلان حرب و متارکه به تأیید شورای ملی؛
۵. اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال؛

۶. فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تأیید شورای ملی؛

۷. دایر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی؛

۸. اعلان حالت اضطرار به تأیید شورای ملی و خاتمه دادن به آن؛

۹. افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه؛

۱۰. قبول استعفای معاونین ریاست جمهوری؛

۱۱. تعیین وزرا، لوی سارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سرهمیاشت به تأیید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفای آن‌ها؛

۱۲. تعیین رئیس و اعضای ستره محکمه به تأیید ولسی جرگه؛

۱۳. تعیین، تقاعد، قبول استعفا و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پلیس و امنیت ملی و مأمورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون؛

۱۴. تعیین سران نمایندگی‌های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی؛

۱۵. قبول اعتمادنامه‌های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان؛

۱۶. توشیح قوانین و فرامین تقنینی؛

۱۷. اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین‌الدول مطابق به احکام قانون؛

۱۸. تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون؛

۱۹. اعطای مدال‌ها، نشان‌ها و القاب افتخاری مطابق به احکام قانون؛

۲۰. تأسیس کمیسیون‌ها به منظور بهبود اداره کشور مطابق به احکام قانون؛

۲۱. سایر صلاحیت‌ها و وظایف مندرج این قانون اساسی.

وظایف و صلاحیت‌های ریاست جمهوری در افغانستان که در قانون اساسی آمده است (ق).

۱. افغانستان: ماده (۶۴).

شاید بتوان گفت رئیس جمهور در قانون اساسی افغانستان همان نقش رهبری در ایران را انجام می‌دهد. گرچه بسیاری به این اختیارات گسترده برای رئیس جمهور اعتراض نموده‌اند و نظام ریاستی را با توجه به ساختار قومی افغانستان مناسب ندانسته‌اند؛ اما آنچه در لویه جرگه اضطراری (مجلس بزرگان جهت همه‌پرسی) به تصویب اعضا رسیده، نظام ریاستی بوده است و

این اختیارات را تنها در این چهارچوب می‌توان توجیه کرد.

۲-۷-۴. وظایف و اختیارات رئیس جمهور در قانون اساسی ایران

در قانون اساسی ایران، مقام رئیس جمهور پس از مقام رهبری است و زمانی ریاست آن رسمیت پیدا می‌کند که رهبری ریاست او را امضا کند و الا مشروعیت نخواهد داشت. به نظر می‌رسد نقش رئیس جمهور در ایران، همان نقش نخست‌وزیری در سایر کشورها است و رهبری نقش رئیس جمهور و بلکه وظایف خاص دیگر را نیز بر عهده دارد. وظیفه و اختیارات خاص رئیس جمهور ایران به شرح ذیل است:

۱. پاسداری از مذهب رسمی کشور در برابر تشکیک و تحریف و تحقیر و تعطیل قوانین دینی؛
۲. پاسداری از نظام جمهوری اسلامی با همان تفسیر که در اصل دوم قانون اساسی آمده است؛
۳. پاسداری از قانون اساسی به عنوان میثاق مورد توافقی همه شهروندان کشور؛
۴. به کارگیری همه استعدادها و صلاحیت‌ها در راه ایفای مسئولیت‌های قانونی؛
۵. وقف خود برای خدمت به مردم، اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق؛
۶. پشتیبانی از حق و گسترش عدالت؛
۷. پرهیز از خودکامگی؛
۸. حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوق قانونی آنان؛
۹. حراست از مرزها، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و نظامی کشور و تمامیت ارضی؛
۱۰. استعانت از خدا در انجام وظایف؛
۱۱. پیروی از پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه اطهار - علیهم السلام - در نگهداری از امانت «قدرت» و سپردن آن به منتخب ملت پس از خویش؛
۱۲. پاسخ‌گوبودن در برابر «ملت»، «رهبر» و «مجلس شورای اسلامی»؛
۱۳. جلوگیری از تصویب و اجرای هرگونه قانون و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و سایر موارد که بر اساس موازین اسلامی نباشد و تلاش جهت لغو و عدم اجرای آن (تشخیص موافقت و مخالفت با شورای محترم نگهبان است)؛
۱۴. به کارگرفتن همه امکانات برای ایجاد محیطی مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس

ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛

۱۵. جلوگیری از رباخواری، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع و بازگرداندن ثروت‌های ناشی از امور فوق به صاحبان حق و یا بیت‌المال در صورت ناشناخته‌بودن صاحبان آن؛

۱۶. دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک وظیفه متقابل ملت و دولت؛

۱۷. پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی؛
۱۸. تلاش پیگیر برای اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی و وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام؛

۱۹. پاسداری از حقوق زنان و حمایت از آنان طبق اصل ۲۱ قانون اساسی؛

۲۰. فراهم‌کردن امکان اشتغال و کار و تأمین شرایط مساوی برای احراز مشاغل؛

۲۱. تأمین اجتماعی همگان در برابر بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی از طریق بیمه و غیره؛

۲۲. تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه تا پایان دوره متوسطه و تأمین وسایل تحصیلات عالی تا سرحد خودکفایی کشور به‌صورت رایگان؛

۲۳. تأمین مسکن هر فرد و خانواده به‌ویژه روستائینان و کارگران؛

۲۴. گردآوری و بهره‌برداری و نظارت بر انفال و توزیع عادلانه ثروت‌های عمومی؛

۲۵. رفتار عادلانه و رعایت اخلاق انسانی در رفتار با اقلیت‌های دینی که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی توطئه و اقدام نکرده‌اند؛

۲۶. پاسداری از زبان و خط و پرچم رسمی کشور و تاریخ هجری شمسی و قمری در کلیه اسناد و مکاتبات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات زبان قرآن و معارف اسلامی در دوره‌های ابتدایی تا پایان دوره متوسطه و رعایت تعطیلی روز جمعه در سراسر کشور؛

۲۷. خودداری و جلوگیری از استخدام کارشناسان خارجی؛ مگر در موارد ضرورت و با تصویب مجلس شورای اسلامی؛

۲۸. رعایت قانون در کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌های دولتی؛

۲۹. خودداری و جلوگیری از دادن هرگونه امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به خارجی‌ان در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات طبق اصل هشتاد و یکم؛

۳۰. خودداری از گرفتن هرگونه وام خارجی و داخلی و کمک بلاعوض از داخل و خارج بدون تصویب مجلس شورای اسلامی.

۴-۸. شرایط کاندیدای ریاست جمهوری

۴-۸-۱. شرایط کاندیدای ریاست جمهوری در قانون اساسی افغانستان

شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می‌شود، واجد شرایط ذیل است:

۱. تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد؛
۲. در روز کاندیدشدن، سن وی از چهل سال کم‌تر نباشد؛
۳. از طرف محکمه به ارتکاب جرائم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

هیچ شخص نمی‌تواند بیش از دو دوره به‌حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.

حکم مندرج این ماده در مورد معاونین رئیس جمهور نیز تطبیق می‌گردد (ق. ا. افغانستان: ماده ۶۲).

تأسیس ۱۳۹۴

۴-۸-۲. شرایط کاندیدای ریاست جمهوری در قانون اساسی ایران

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور (ق. ا. ایران: اصل ۱۱۵). رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به‌صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است (ق. ا. ایران: اصل ۱۱۴).

۵. مقایسهٔ قوهٔ قضائیه در قانون اساسی افغانستان و ایران

۵-۱. قوهٔ قضائیه

الف. قوهٔ قضائیه افغانستان: یکی از قوای سه‌گانه است که مسئولیت بخش قضایی کشور افغانستان را عهده‌دار است. رئیس آن (قاضی‌القضات و رئیس ستره‌محکمه) توسط رئیس‌جمهور این کشور منصوب می‌شود.

ب. قوهٔ قضائیه ایران: یکی از قوای سه‌گانه است که مسئولیت بخش قضایی ایران را به عهده دارد و رئیس آن به‌وسیلهٔ رهبر منصوب می‌گردد.

۵-۲. انتصاب یا انتخاب رئیس قوهٔ قضائیه

الف. افغانستان: قوهٔ قضائیه افغانستان توسط ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور) و به‌صورت شورایی اداره می‌شود که همه اعضاء و رئیس آن توسط رئیس‌جمهور به پارلمان معرفی می‌شوند و مورد تأیید پارلمان قرار می‌گیرد (ق. ا. افغانستان: مادهٔ ۱۱۷).

ب. در ایران: به‌منظور انجام مسئولیت‌های قوهٔ قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به‌عنوان رئیس قوهٔ قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قضایی است (ق. ا. ایران: اصل ۱۵۷).

۵-۳. شرایط احراز ریاست قوهٔ قضائیه

الف. در افغانستان: عضو ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور) واجد شرایط ذیل است:

۱. سن رئیس و اعضا در حین تعیین از چهل سال کم‌تر نباشد؛
۲. تبعهٔ افغانستان باشد؛
۳. در علوم حقوقی و یا فقهی تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربهٔ کافی داشته باشد؛
۴. دارای حسن سیرت و شهرت نیک نام باشد؛
۵. از طرف محکمه به ارتکاب جرائم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی

محکوم نشده باشد؛

۶. در حال تصدی وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۱۸).

اعضای ستره محکمه (دیوان عالی کشور) قبل از اشغال وظیفه، حلف آتی را در حضور رئیس جمهور به جا می آورند (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۱۹).

ب. در ایران: طبق این اصل از قانون اساسی ایران، «رهبر یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را تعیین می کند (این اصل در انتصاب رئیس قوه قضائیه آمده است)» (ق. ا. ایران: اصل ۱۵۷).

۴-۵. وظایف و صلاحیت های قوه قضائیه

الف. در افغانستان: در قانون اساسی افغانستان آمده است: «صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.» (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۲۰). هم چنین در ماده بعدی آمده: «تطبیق قوانین با قانون اساسی و تفسیر آن نیز از صلاحیت های قوه قضائیه است.» (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۲۱). در نظام قضایی افغانستان اداره و رهبری قوه قضائیه به عهده ستره محکمه (دیوان عالی کشور) است و برای ستره محکمه (دیوان عالی کشور) دو نوع وظیفه ذکر شده است:

۱. وظایف و صلاحیت های قضایی: ستره محکمه (دیوان عالی کشور) در ساحة تفسیر قوانین و امور قضایی - که از طریق شورای عالی آن که عالی ترین ارگان ستره محکمه (دیوان عالی کشور) و ممثل قوه قضائیه است - دارای وظایف و صلاحیت های ذیل است:

۱. بررسی مطابقت قوانین، فرمان ها تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آن ها (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۲۱)؛

۲. پیشنهاد طرح قانون در ساحة تنظیم امور قضایی به شورای ملی از طریق حکومت؛

۳. تجدیدنظر بر فیصله های محاکم به سبب ظهور دلایل جدید بر اساس اعتراض لوی سارنوال (دادستان کل) یا طرف دعوی، طبق احوال پیش بینی شده در قوانین مربوط؛

۴. حل تنازع صلاحیت محاکم و تفویض صلاحیت رسیدگی قضیه از یک محکمه به محکمه

دیگر بر اساس تقاضای لوی سارنوال (دادستان کل) یا طرف دعوی در حال موجودیت دلایل موجه؛

۵. بررسی دلایل و اتخاذ تصمیم در مورد اعاده مجرمین به دولت خارجی مطابق به احکام قانون؛

۶. بررسی دلایل اتهام و اتخاذ تصمیم در مورد تسلیم‌دهی (نمودن) تبعه کشور به دولت خارجی با رعایت حکم ماده ۲۸ قانون اساسی؛

۷. تأمین وحدت رویه قضایی؛

۸. اتخاذ تصمیم در مورد تخلفات جنایی و انتظامی قضات؛

۹. بررسی استهدآت محاکم در امور قضایی و ارائه جواب به آن (قانون تشکیل و صلاحیت محاکم، ۱۳۸۴: ماده ۲۴).

۲. وظایف و صلاحیت‌های اداری: ستره محکمه (دیوان عالی کشور) در امور اداری مربوطه دارای وظایف و صلاحیت‌های زیر است:

(۱) ترتیب بودجه قوه قضائیه به مشورت حکومت؛ (۲) رهبری و مراقبت از فعالیت‌های ادارات محاکم؛ (۳) وضع مقرره‌ها و لوایح به منظور تنظیم امور قضایی و اداری محاکم؛ (۴) بررسی نتیجه تدقیق و مطالعات امور قضایی و اتخاذ تدابیر به منظور رفع نواقص و توحید و انسجام اجراآت محاکم؛ (۵) پیشنهاد تعیین قضات و مستشاران به مقام ریاست جمهوری مطابق به احکام این قانون؛ (۶) پیشنهاد تقرر، تبدل، ترفیع، تمدید خدمت و تقاعد قضات مطابق احکام این قانون؛ (۷) پیشنهاد تأسیس محاکم و ادارات ثبت اسناد و وثایق و تعیین صلاحیت‌های قضایی و اداری آن‌ها به مقام ریاست جمهوری؛ (۸) تطبیق بودجه قوه قضائیه؛ (۹) تأمین تسهیلات لازم به منظور پیشبرد فعالیت محاکم؛ (۱۰) تدویر کورس ستار قضایی (دوره آموزش قضایی) و تنظیم امور مربوط به آن؛ (۱۱) اتخاذ تدابیر مقتضی برای ارتقای سطح دانش و تجارب قضات؛ (۱۲) نظارت از اجراآت و فعالیت‌های سایر کارکنان اداری قوه قضائیه؛ (۱۳) تهیه احصائیه سالانه و گزارش از فعالیت‌های تمام محاکم در بخش قضایی؛ (۱۴) سایر وظایف و صلاحیت‌هایی که در این قانون و قوانین دیگر به ستره محکمه (دیوان عالی کشور) تفویض گردیده است. صلاحیت‌های مندرج فقره ۱ این ماده از طریق آمریت عمومی اداری قوه قضائیه اعمال می‌گردد (قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه، ۱۳۸۴: ماده ۲۹).

ب. در ایران: در قانون اساسی ایران، این وظایف را برای قوه قضائیه ذکر می‌کند:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعديات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومت و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند؛
 ۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛
 ۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین؛
 ۴. کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود مقررات مدون جزایی اسلام؛
 ۵. اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (ق. ا. ایران: اصل ۱۵۶).
- بنابراین، مجموع وظایف قوه قضائیه و دیوان عالی کشور در ایران مساوی با وظایف ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور) در افغانستان است.

۵-۵. عزل و محاکمه اعضای ستره‌محکمه و قوه قضائیه

الف. ستره‌محکمه: در قانون اساسی افغانستان چنین آمده است: «هرگاه بیش از یک ثلث (یک‌سوم) اعضای ولسی جرگه (پارلمان) محاکمه رئیس و یا عضوی از ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور) را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نماید و ولسی جرگه (پارلمان) این تقاضا را با اکثریت دو ثلث (دوسوم) کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. تشکیل محکمه و طرز‌العمل محاکمه توسط قانون تنظیم می‌گردد.» (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۲۷).

ب. قوه قضائیه: در قانون اساسی ایران: «نصب و عزل و قبول استعفای عالی‌ترین مقام قضایی (رئیس قوه قضائیه) از وظایف رهبری آمده است.» (ق. ا. ایران: اصل ۱۱۰ بند ۶ قسمت «ب»).

محاکمه رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور در ایران پیش‌بینی نشده است؛ زیرا این افراد جامع‌الشرايط و مجتهداند؛ اما عزل رئیس دیوان عالی و دادستان کل با رئیس قوه قضائیه است.

۵-۶. انتصاب، عزل و محاکمه سایر قضات

الف. در افغانستان: در قانون اساسی این کشور آمده است: «در مورد مأمورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ است؛ ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات و مکافات‌شان توسط ستره‌محکمه مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۲۴)؛ اما در ماده دیگر آمده است: قضات به پیشنهاد ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور) و منظوری رئیس جمهور تعیین می‌گردد (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۳۰).

ب. در ایران: طبق قانون اساسی ایران، «انتخاب و انتصاب قضات از وظایف رئیس قوه قضائیه شمرده شده است: «استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری، طبق قانون می‌باشد.» (ق. ا. ایران: بند ۳ اصل ۱۵۸).

محاکمه قضات نیز در دادگاه انتظامی قضات که در قانون پیش‌بینی شده است، صورت می‌گیرد.

۵-۷. بررسی دارایی‌های مسئولین قبل و بعد از تصدی مسئولیت

الف. در افغانستان: در قانون اساسی افغانستان چنین تصریح شده است: «دارایی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، اعضای ستره‌محکمه و لوی سارنوال (دادستان کل) قبل و بعد از دوره خدمت، توسط ارگانی که در قانون تعیین می‌گردد، ثبت، رسیدگی و نشر می‌شود.» (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۵۴).

ب. در ایران: در قانون اساسی ایران آمده است: «دارایی رهبر، رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد.» (ق. ا. ایران: اصل ۴۲).

۵-۸. مدت دوره ریاست قوه قضائیه

الف. در افغانستان: رئیس و اعضای ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور) در افغانستان برای ده سال انتخاب می‌شوند؛ هر شخص بیش از یک‌بار نمی‌تواند رئیس و یا عضوی از ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور) باشد (ق. ا. افغانستان: ماده ۱۱۷).

ب. در ایران: رئیس قوه قضائیه در ایران برای مدت پنج سال انتصاب می‌شود. در ایران امکان تصدی هر شخص به‌عنوان رئیس قوه قضائیه برای چندین دوره بلامانع است (ق. ا. ایران: اصل ۱۵۷).

۵-۹. وظایف و اختیارات رئیس ستره‌محکمه و رئیس قوه قضائیه

رهبری قوه قضائیه و دیوان عالی کشور در افغانستان توسط یک نفر که توسط رئیس جمهور انتخاب و به پارلمان معرفی و رأی اعتماد می‌گیرد، انجام می‌شود و در رأس قوه قضائیه قرار دارد؛ اما در ایران اداره قوه قضائیه توسط رئیس قوه قضائیه که توسط رهبری انتخاب می‌شود، صورت می‌گیرد و رئیس دیوان عالی کشور به‌عنوان جزئی از قوه قضائیه، زیر نظر رئیس قوه قضائیه انجام وظیفه می‌کند؛ بنابراین، وظایفی که در ایران برای رئیس قوه قضائیه و دیوان عالی در نظر گرفته شده است، در افغانستان به‌وسیله رئیس ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور) انجام می‌شود.

الف. رئیس ستره‌محکمه: رئیس ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور) ممثل قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان بوده، دارای صلاحیت‌های ذیل است:

۱. رهبری عمومی فعالیت‌های قضایی و اداری ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور)؛
۲. ریاست از جلسات ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور)؛
۳. عندالاقضاء ریاست جلسات قضایی دیوان‌های مربوط محکمه (دیوان عالی کشور)؛
۴. اصدار امر مبنی بر تفتیش فعالیت‌های محاکم؛
۵. اصدار امر مبنی بر رسیدگی قضایای ناشی از جرائم و تخلفات قضایی و اداری قضات؛
۶. نظارت بر تطبیق فیصله‌های قطعی محاکم؛
۷. نظارت و مراقبت از تطبیق سالم بودجه قوه قضائیه؛
۸. تفویض تمام یا برخی از صلاحیت‌های خود در حالت مریضی، رخصتی (مرخصی)، غیابت و سایر علل، به یکی از اعضای ستره‌محکمه (دیوان عالی کشور)؛
۹. نظارت بر فعالیت آمریت عمومی اداری قوه قضائیه؛
۱۰. ارائه گزارش اجراآت قضایی و اداری قوه قضائیه به رئیس جمهور؛
۱۱. پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات محاکماتی و تأدیبی قضات به مقام ریاست جمهوری؛

۱۲. سایر صلاحیت‌های مفوضه بر طبق احکام این قانون و قوانین دیگر (ق. ا. افغانستان: ماده ۳۰) و (جریده قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۸۴: ۸).

ب. رئیس قوه قضائیه: ۱) اداره امور قوه قضائیه (ق. ا. ایران: اصل ۱۵۷؛ ۲) ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری؛ ۳) تهیه لوایح قضایی؛ ۴) استخدام قضات (ق. ا. ایران: اصل ۱۵۸؛ ۵) پیشنهاد عفو و یا تخفیف مجازات مجرمان (ق. ا. ایران: بند ۱۱ اصل ۱۱۰؛ ۶) پیشنهاد وزیر دادگستری (ق. ا. ایران: اصل ۱۶۰؛ ۷) رسیدگی به دارایی مقامات سیاسی (ق. ا. ایران: اصل ۱۴۲؛ ۸) تعیین نماینده در صدا و سیما (ق. ا. ایران: اصل ۱۷۵؛ ۹) پیشنهاد اعضای حقوقدان شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی (ق. ا. ایران: بند ۲ اصل ۹۱).

علاوه بر این موارد، رئیس قوه قضائیه مسئولیت‌های متفرقه دیگری نیز، از جمله عضویت در شورای موقت رهبری، شورای بازنگری قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر عهده دارد. همچنین، ریاست قوه قضائیه اختیار تجویز اعاده دادرسی را در خصوص آراء قطعیت یافته دادگاه‌ها، در صورت تشخیص خلاف شرع بودن آن‌ها را دارد (مدنی، ۱۳۸۴: ۳۶۲).

نتیجه‌گیری

قانون اساسی در هر کشور به‌عنوان مهم‌ترین سندی است که در آن چارچوب کلی یک نظام تنظیم و حقوق و تکالیف افراد، نهادها و سازمان‌ها مشخص می‌شود. از مجموع مطالبی که پیرامون قانون اساسی جدید افغانستان تدوین شده است، به این نتیجه می‌رسیم که این قانون نسبت به قوانین اساسی پیشین دارای امتیازات منحصر به فردی است که برای نخستین بار در تاریخ کشور قانون اساسی کامل و فراگیر تصویب گردیده است؛ زیرا این قانون اساسی در مراحل تدوین و تصویب با حضور و مشارکت نمایندگان اقشار مختلف جامعه، تدوین و تصویب شد و موادی در آن گنجانده شده که با خواست و اراده جامعه توافق دارد و از سوی دیگر بازتاب‌دهنده واقعیت‌های عینی جامعه افغانستان است و هرگونه تبعیض و نابرابری را در عرصه‌های مختلف مردود شمرده و برابری و مساوات حقوقی را در میان همه گروه‌های قومی و مذهبی تأکید دارد.

از مقایسه قانون اساسی افغانستان و ایران نتایج زیر به دست می‌آید:

با این که در هردو کشور نوع حکومت جمهوری اسلامی است؛ اما اداره حکومت در افغانستان بر پایه نظام ریاستی استوار است؛ یعنی رئیس جمهوری صلاحیت‌های بسیار وسیعی در عرصه‌های اجرایی، تقنینیه و قضائیه دارد. در ایران اداره حکومت بر پایه نظام ولایت فقیه استوار است؛ یعنی رهبری صلاحیت‌های بسیار فراوان در عرصه‌های اجرایی، تقنینیه و قضائیه دارد. رئیس جمهور بعد از رهبر در ایران قرار دارد و بسیاری از مسئولیت‌ها و وظایف توسط رهبر به رئیس جمهور تفویض می‌گردد.

مجالس قانون‌گذار دو کشور؛ شورای ملی افغانستان از دو مجلس تشکیل شده است: یکی پارلمان و دیگری مجلس سنا است. ایران تک‌مجلسی است که به نام مجلس شورای اسلامی یاد می‌شود. در حوزه قانون‌گذاری هم متفاوت از یکدیگراند.

نحوه انتخاب رئیس قوه قضائیه در قانون اساسی هردو کشور مختلف است: در افغانستان یک فرد به عنوان رئیس قوه قضائیه توسط رئیس جمهور به پارلمان معرفی شده و رأی اعتماد می‌گیرد؛ اما در ایران رئیس قوه قضائیه به طور مستقیم توسط رهبری انتخاب می‌شود.

منابع

۱. جانسون، گلن (۱۳۷۷)، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه جعفر پوینده، تهران، نشر نی.
۲. قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه (۱۳۸۴) جمهوری اسلامی افغانستان، کابل، وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، شماره ۸۵۱.
۳. قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲)، کابل، دارالانشاء.
۴. قانون اصول محاکمات مدنی جمهوری اسلامی افغانستان (۱۳۶۹)، کابل، وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، شماره ۷۲۲.
۵. محسنی، فرید (۱۳۸۱)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸، تهران.
۶. مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۴)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ج. ا.، تهران، پایدار.
۷. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۷۷)، فصلنامه سراج، قم، سراج، ش ۱۵.

8. <http://daneshnameh.roshd.ir/>.

9. <https://fa.wikipedia.org/wiki>.